

عربی، زبان قرآن (۳)

۱ ترجم الکلمات التي تحتها خط: (۱ نمره)

الف) وَلَدَ صَبِيٍّ سُمِّيَ «ألفرد نُوبِل».

ب) بَغْدَادُ كَانَتْ عَاصِمَةَ السَّاسَانِيِّينَ.

ج) عَزَسْتُ فَسِيلَةً فِي حَدِيقَةِ جَدِّي.

د) الْعَصَبُ خَيْطٌ يَجْرِي فِيهِ الْحَسُّ.

مشاوره ترجمه تمام لغتهایی که در داخل کتاب وجود دارند (داخل متن درس یا تمرین یا پاورقی‌ها و ...) را باید بدانیم.

راهنمای تصحیح

الف) کودک، پسر (۰/۲۵) (صفحه ۲۰) (ذکر یک مورد کافی است)

ب) پایتخت (۰/۲۵) (صفحه ۳۱)

ج) نهال (۰/۲۵) (صفحه ۳۹)

د) نخ (۰/۲۵) (صفحه ۱۱)

پاسخ‌دهی تشریحی

الف) **پسری** متولد شد که «آلفرد نوبل» نامیده شد.

ب) بغداد **پایتخت** ساسانیان بود.

ج) **نهالی** را در باغ پدر بزرگم کاشتم.

د) عصب **رشته‌ای** است که در آن حس جاری است.

۲

عَيْنِ الْمُتَرَادِفِ لِكَلِمَةِ «الأهل» و الْمُتَضَادِّ لِكَلِمَتِي «الخبير» و «يضيّق» في العبارات التالية: (۷۵/۰ نمره)

نرجو أن تُعطَى جائزة نوبل إلى مَنْ يُفيدُ البشريّةَ و يكونُ صالحاً لها. - عيونُ القطّ تتسعُ في ظلماتِ الليلِ
لترى جيداً - قُمْ بأعمالِكَ وحيداً حتّى تكونَ فائزاً.

الف) =

ب) ≠

ج) ≠

مشاوره یک لیست کامل از کلمات مترادف و متضاد کتاب درسی تهیه کنید. برای این کار گاهی نیاز است که کلمات پایه‌های دهم و یازدهم را هم مورد توجه قرار بدهیم.

راهنمای تصحیح

الف) الأهل = صالح (صفحه ۲۲)

ب) الخبير ≠ فائز (صفحه ۳۵)

ج) يضيّق ≠ تتسع (صفحه ۴۴)

Hint «خبير» گاهی به معنای «بازنده» است. دقت کنید که «الأهل» به معنای «خانواده» نیست.

الف) الأهل = صالح (شایسته)

ب) الخبير (بازنده) ≠ الفائز (برنده)

ج) يضيّق (تنگ می‌شود) = تتسع (فراخ می‌شود)

پاسخ خیلی تشریحی

۳

عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ حَسَبَ الْمَعْنَى: (۲۵/۰ نمره)

- الف) اليافع
ب) الرِّضَاعَة
ج) الأمرد
د) الشَّيْخ

مشاوره برای پاسخ دادن به این سؤال دقت کنید که:
۱- گزینه صحیح را باید براساس ترجمه و معنای کلمات انتخاب کنید نه براساس قواعد.
۲- این سؤال، تست هوش نیست یعنی خودتان را درگیر نکات پیچیده نکنید.

راهنمای تصحیح

گزینه «ب» (الرِّضَاعَة) (۲۵/۰) (صفحه ۴۱)

Hint سه مورد از گزینه‌ها مربوط به سن و سال انسان‌هاست!

پاسخ خیلی تشریحی

ترجمه گزینه‌ها:

- الف) جوان کم‌سال
ب) شیرخوارگی
ج) نوجوان
د) پیر

۴ اُکْتُبِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ: (۵/۰ نمره)

الف) اَلْجَمْعُ لِـ «وَقَفَّ الْحَارِيسُ فِي أَعْلَى تَلٍّ.»

ب) الْمَفْرَدُ لِـ «تُحَسَّبُ الْأَسُودُ سَلَاطِينِ الْغَابَةِ.»

مشاوره برای جمع یا مفرد کلمات هم باید یک فهرست کامل داشته باشید و تنها به کلماتی که کتاب درسی، مفرد یا جمعشان را نوشته، اکتفا نکنید.

راهنمای تصحیح « الف) التَّلال (۲۵/۰) (صفحه ۲۳)

ب) الأسد (۲۵/۰) (صفحه ۴۹)

Hint «الأسود» یعنی «شیرها» و «التَّل» یعنی «تپه»

الف) «تَل» به معنای «تپه» و جمعِ آن «التَّلال» است.

ب) «الأسود» یعنی «شیرها» و مفردِ آن «الأسد» است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

۵ انتخابِ کلمهٔ مناسبهٔ حسبِ التوضیحات: (۵/۰ نمره)

- الف) عَدُمُ الاطمینانِ و الیقین. (المرصوص - الرّیب - الإکراه)
ب) حَشْرَةٌ صَغِيرَةٌ تَقْضُمُ أَوْرَاقَ النَّبَاتَاتِ. (الجُلْب - الجرّادة - الرّصید)

مشاوره برای جواب‌دادن به این سؤال اولاً باید معنی تمام کلمات کتاب درسی را بدانیم، ثانیاً توضیحی که داده‌شده را کلمه به کلمه و با دقت ترجمه کنیم.

راهنمای تصحیح « الف) الرّیب (۲۵/۰) (صفحه ۱۰)

ب) الجرّادة (۲۵/۰) (صفحه ۲۸)

Hint «الإکراه» یعنی «اجبار» و «الرّصید» یعنی «شارژ یا اعتبار مالی»

الف) نداشتنِ اطمینان و یقین. (استوار - شک - اجبار) **پاسخ خیلی تشریحی** ✓

ب) حشره‌ای کوچک که برگ‌های گیاهان را می‌جود. (پوست - ملخ - شارژ، اعتبار مالی)

۶ ترجم الآيتين الشريقتين و العبارات التالية: (۷ نمره)

- الف ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾ (۷۵ نمره)
 ب ﴿... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾ (۷۵ نمره)
 ج أَلَمْ يُعْتِقْ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أُخْتَهُ مُعَزَّزَةً؟ (۷۵ نمره)
 د لَيْتَ النَّاسَ يَشْعُرُونَ بِأَنِّ دَاءَهُمْ مِنْهُمْ. (۷۵ نمره)
 ه لِيَغْضَ الْمُؤْمِنُ عَيْنَهُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ. (۷۵ نمره)
 و نَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سُبَاتِ الْعَقْلِ وَ قُبْحِ الزَّلَلِ. (۷۵ نمره)
 ز كَانَ نَوْبِلُ يَأْمُلُ أَنْ تُسَهَّلَ أُمُورُ الْإِنْسَانِ الصَّعْبَةُ. (۷۵ نمره)
 ح كَانَ عَالَمًا أَكْبَرَ إِنطَوَى فِي الْإِنْسَانِ. (۷۵ نمره)
 ط خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ. (۵ نمره)
 ي لَا فَخْرَ إِلَّا لِلْعَفَافِ. (۵ نمره)

مشاوره برای نوشتن ترجمه کامل عبارت‌ها موارد زیر را در نظر داشته باشید:
 (۱) عبارت‌ها را ابتدا کلمه به کلمه ترجمه کنید و بعد با کلمات جمله‌سازی کنید.
 (۲) هنگام ترجمه اسم‌ها به «جمع یا مفرد» و «معرفه و نکره» بودن آن‌ها دقت کنید.
 (۳) در ترجمه فعل‌ها به زمان فعل و معلوم یا مجهول بودنشان توجه کنید.
 (۴) هیچ سؤالی را بی‌پاسخ رها نکنید و هر کلمه‌ای را که می‌دانید، بنویسید.

راهنمای تصحیح

- الف هر چیزی (۲۵/۰) نابودشدنی است (۲۵/۰) جز ذات او. (صفحه ۴۴)
 ب کسانی که نماز را برپا می‌کنند (۲۵/۰) و زکات می‌دهند (۲۵/۰) در حالی که در رکوعند. (صفحه ۲۷)
 ج آیا پیامبر خدا (ص) خواهرش را (۲۵/۰) عزتمندانه (۲۵/۰) آزاد نکرد؟ (صفحه ۳۹)
 د ای کاش مردم (۲۵/۰) احساس کنند که (۲۵/۰) دردشان از خودشان است. (صفحه ۲)
 ه مؤمن چشمش را (۲۵/۰) از حرام‌های خداوند (۲۵/۰) باید بر هم نهد (باید ببندد). (صفحه ۴۴)
 و از به خواب رفتن عقل (۲۵/۰) و زشتی لغزش (۲۵/۰) به خدا پناه می‌بریم. (صفحه ۲۸)
 ز نوبل امید داشت (۲۵/۰) کارهای سخت انسان (۲۵/۰) آسان شود. (صفحه ۲۱ و ۳۹)
 ح گویی در انسان (۲۵/۰) جهان بزرگ‌تری (۲۵/۰) در هم پیچیده شده است. (صفحه ۲)
 ط بهترین دوستان (برادران) (۲۵/۰) قدیمی‌ترین آن‌هاست. (صفحه ۵۲)
 ی هیچ افتخاری نیست (۲۵/۰) مگر برای پاکدامنی. (صفحه ۳)

پاسخ خیلی تشریحی

- الف ﴿كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ﴾: هر چیزی [«کُلَّ» وقتی همراه اسم مفرد نکره بیاید، معنای «هر» می‌دهد.] - «هَالِكٌ»: هلاک‌شدنی، نابودشدنی - «إِلَّا»: مگر، به جز - «وَجْهَهُ»: ذات او
 ب ﴿... الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾: کسانی که - «يُقِيمُونَ»: به پا می‌دارند - «الصَّلَاةَ»: نماز - «يُؤْتُونَ»: می‌دهند - «الزَّكَاةَ»: زکات - «وَهُمْ رَاكِعُونَ»: در حالی که (واو حالیه است). - «راکعون»: رکوع‌کنندگان

به تفاوت معنایی ۳ فعل زیر حتماً دقت کنید:

- * «قَامَ»: برخاست * «قَامَ بِ»: اقدام کرد * «أَقَامَ»: برپا کرد
 ج «أَيَا» - «لَمْ يُعْتِقْ»: آزاد نکرد [لم + مضارع - ماضی منفی] - «رَسُولُ اللَّهِ»: پیامبر خدا - «أُخْتَهُ»: خواهرش را - «مُعَزَّزَةً»: باعزت، عزتمندانه [حال است].
 د «لَيْتَ»: ای کاش - «النَّاسَ»: مردم - «يَشْعُرُونَ»: احساس کنند [فعل مضارعی که بعد از «لَيْتَ» بیاید، به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.] - «بِأَنَّ»: که - «دَاءَهُم»: دردشان - «مِنْهُمْ»: از خودشان
 ه «لِيَغْضَ»: باید برهم نهد [ل + مضارع] وقتی اول جمله بیاید، به شکل «باید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود. - «المؤمن»: مؤمن - «عَيْنَهُ»: چشمش - «مَحَارِمِ اللَّهِ»: حرام‌های خدا



و) «نَعُوذُ»: پناه می‌بریم - «بِالله»: به خداوند - «سُبَات»: به خواب رفتن - «قُبْحٌ»: زشتی - «الزَّلَلُ»: لغزش
 ز) «كَانَ ... يَأْمُلُ»: امید داشت [كان + مضارع ← ماضی استمراری] - «أَنْ تُسَهِّلَ»: که ساده شود [فعل مجهول
 است.] - «أُمُورِ الْإِنْسَانِ الصَّعْبَةُ»: کارهای سخت انسان [«الصَّعْبَةُ» مؤنث است پس صفت «أُمُور» است نه
 «الإنسان».]

ح) «كَأَنَّ»: گویی - «عَالِماً»: جهانی - «أكبرَ»: بزرگ‌تر - «إِنْطَوَى»: در هم پیچیده است - «فِي الْإِنْسَانِ»: در انسان
 ط) «حَيْرٌ»: بهترین [اسم تفضیل است] - «الإخوان»: برادران، دوستان - «أَقْدَمَ»: قدیمی‌ترین [اسم تفضیل است.]
 ی) «لَا فَخْرَ»: هیچ افتخاری نیست [«لَا»ی نفی جنس است.] - «إِلَّا»: مگر، به جز - «العَفَافُ»: پاکدامنی

۷ کَمَلْ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَتَيْنِ: (۱ نمره)

الف) «لَمْ تَزْعَمُونَ أَنَّ بَعْضَ النَّاسِ خَلَقُوا مِنَ الذَّهَبِ أَوْ النُّحَاسِ؟»
برای چه می‌کنید که برخی از مردم از طلا یا آفریده شده‌اند؟
ب) ﴿مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ﴾
زندگی دنیا بازیچه و است.

مشاوره برای حل این سؤال بهتر است از همان ابتدای جمله، معنی تک تک کلمات را بررسی کنید و ببینید که کدام کلمه جا افتاده است.

راهنمای تصحیح

الف) گمان می‌کنید / مس (۰/۵) (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۳)
ب) فقط (تنها) / سرگرمی (۰/۵) (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۴۶)
Hint الف) «نحاسی» اسم یک فوتبالیست خیلی معروفه!
ب) دقت کن که فعل آخر جمله به شکل مثبت اومده!

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) * «تَزْعَمُونَ» فعل مضارع و به معنای «گمان می‌کنید» است.
* معنای این چهار فلز را خوب به خاطر داشته باشید: «الذَّهَبُ»: طلا - «الْفِضَّةُ»: نقره - «النُّحَاسُ»: مس - «الحديد»: آهن
ب)
* با توجه به این که فعل آخر جمله به شکل مثبت آمده، پس کلمه «إِلَّا» را هم باید به صورت «فقط» یا «تنها» ترجمه کنیم.
* «لَهْوٌ» به معنای «سرگرمی» است.

انتخاب الترجمة الصحيحة للعبارتين: (۵/۰ نمره)

۸

الف) لَا تَمْنَعُنَا عَنِ الْخُرُوجِ.

۱- از بیرون رفتن خودداری نمی‌کنیم.

۲- ما را از خارج شدن منع نکن.

ب) لَمْ يُضْعِفْ انفجارُ الْمُخْتَبِرِ عِزَمَ صَاحِبِهِ:

۱- انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نکرد.

۲- انفجار آزمایشگاه اراده صاحبش را ضعیف نمی‌کند.

مشاوره در تست‌های ترجمه امتحانات نهایی سال‌های اخیر، نکات ریز کنکوری هم دیده شده است. پس باید نکات ریز مربوط به ترجمه عبارت‌های کتاب درسی را به خوبی یاد بگیرید. اگر کمی بالاتر از کتاب هم بلد باشید، بهتر است.

راهنمای تصحیح

الف) گزینه «۲» (۲۵/۰) (صفحه ۳۳)

ب) گزینه «۱» (۲۵/۰) (صفحه ۲۰)

Hint الف) ضمیر «نا» در «لَا تَمْنَعُنَا» برای خود فعل نیست بلکه مفعوله.

ب) «لم» باعث می‌شه فعل دیگه معنای مضارع نداشته باشه.

ضمیر «نا» وقتی در آخر فعل بیاید، ممکن است فاعل یا مفعول باشد. اگر «نا» فاعل باشد، باید فعل را به صورت «اول شخص جمع» (متکلم مع‌الغیر) ترجمه کنیم ولی اگر «نا» مفعول باشد، باید فعل را جدای از آن ترجمه کنیم.

مثال

* «سَاعِدْنَا» ← در این فعل، «نا» برای خود فعل بوده و فاعل است پس فعل را به صورت «اول شخص جمع» ترجمه می‌کنیم: «کمک کردیم»

* «يُسَاعِدُنَا» ← در این‌جا «نا» برای خود فعل نیست بلکه «يُسَاعِدُ» فعل اصلی است که «نا» به عنوان مفعول به آن اضافه شده است: «ما را کمک می‌کند».

روش تشخیص:

برای این‌که بفهمیم «نا» فاعل است یا مفعول، باید دو نکته زیر را بدانیم:

۱) اگر ضمیر «نا» به فعلی متصل شود که «ماضی نباشد»، «نا» حتماً مفعول است: «يَنْصُرُنَا»

۲) اگر حرفی که قبل از «نا» آمده، ساکن نباشد یا این‌که قبل از «نا»، شناسه (ضمیر) دیگری آمده باشد، باز هم «نا» حتماً مفعول است.

مثال «يَهْدِينَا» ← «یهدی» فعل ماضی نیست یعنی این ترکیب در واقع «یهدی + نا» بوده و ترجمه آن عبارت است از: «ما را هدایت می‌کند».

مثال «سَاعِدُونَا» ← در این ترکیب قبل از «نا»، ضمیر «و» دیده می‌شود بنابراین «نا» مفعول است. «سَاعِدُونَا»: کمک کردند ما را

مثال «خَلَقْتَنَا» ← حرف قبل از «نا» (ت) ساکن نیست پس باز هم «نا» مفعول است: «خَلَقْتَ + نا»: ما را آفریدی

پاسخ خیلی تشریحی الف) در «لَا تَمْنَعُنَا»، «نا» به فعلی متصل شده که ماضی نیست، پس در واقع «لَا تَمْنَعُ + نا» داریم که باید به صورت «ما را منع نکن» ترجمه کنیم.

ب) «لم + مضارع» به صورت ماضی منفی ترجمه می‌شود پس «لَمْ يُضْعِفْ» یعنی «ضعیف نکرد».

۹ ترجم الأفعال التالية: (۲ نمره)

- ۱- تَذَكَّرْ (به یاد آورد):
(الف) لَمْ أَتَذَكَّرْ أَسْتَاذِي فِي الْجَامِعَةِ.
(ب) قَدْ تَتَذَكَّرُونَ صَعُوبَاتِ تَحَمُّلَتُمُوهَا.
(ج) كَانَا قَدْ تَذَكَّرَا ذِكْرِيَا تَهُمَا عَنْ أَيَّامِ الدَّرَاسَةِ.
۲- اِكْتَشَفْ (کشف کرد):
(د) الْعُلَمَاءُ لِيَكْتَشِفُوا أَسْرَارَ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ.
(هـ) مَا اِكْتَشَفَتِ الْأُسْتَاذَةُ فِي الْمُحْتَبَرِ؟
(و) يَا أُخْتِي، سَتَكْتَشِفِينَ طَرِيقاً لِحَلِّ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ.
۳- اِسْتَعَانَ (کمک خواست):
(ز) «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»
(ح) «اِسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ»

مشاوره این سؤال مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین سؤال در آزمون عربی است و می‌توان گفت که هر کس در این سؤال، نمره کامل را بگیرد، می‌تواند نمره کامل کل امتحان را نیز کسب کند. برای تسلط بر این موضوع حتماً دست به قلم شوید و تمرین زیادی انجام بدهید.

الف) به یاد نیاوردم، به یاد نیاورده‌ام (۰/۲۵) (ذکر یک مورد کافی است)

ب) گاهی به یاد می‌آورید (شاید به یاد بیاورید) (۰/۲۵)

ج) به یاد آورده بودند (۰/۲۵)

د) باید کشف کنند (۰/۲۵)

هـ) کشف کرد (۰/۲۵)

و) کشف خواهی کرد (۰/۲۵)

ز) کمک می‌خواهیم (۰/۲۵)

ح) کمک بخواهید (۰/۲۵) (صفحه‌های ۱۴، ۳۳ و ۳۴)

برای ترجمه دقیق فعل‌ها باید به شخص و زمان آن کاملاً توجه داشته باشید؛ در دو جدول زیر می‌توانید روش تشخیص شخص و زمان فعل را مرور کنید:

شخص فعل:

شخص	نشانه ماضی	مثال	نشانه مضارع	مثال	نشانه امر	مثال
من	تُ	ذهبتُ: رفتم	أ ...	أَعْلَمُ: می‌دانم		
تو	تَ، تِ، تِ	ذهبتَ، ذهبتِ: رفتی	تـ ... تـ ... يَن	يَعْلَمُ / تَعْلَمِينَ: می‌دانی	تَ ... ي	إِعْلَمْ: بدان إِعْلَمِي: بدانی
او	تَ	ذهبتَ: رفت	يـ ... تـ ...	يَعْلَمُ: می‌داند تَعْلَمُ: می‌داند		
ما	نا	ذهبتنا: رفتیم	نـ ...	نَعْلَمُ: می‌دانیم		
شما	تُما / تُم / تَن	ذهبتما، ذهبتن، ذهبتن: رفتید	تـ ... ان تـ ... ون تـ ... ن	تَعْلَمَانِ، تَعْلَمُونَ، تَعْلَمِينَ: می‌دانید	وا ... سا ... ن ...	إِعْلَمَا، اَعْلَمُوا، اَعْلَمِي: بدانید
ایشان	تا / وا / ن	ذهبتا، ذهبتوا، ذهبتن: رفتند	يـ ... ون يـ ... ن يـ ... ان تـ ... ان	يَعْلَمُونَ، يَعْلَمُنَ، يَعْلَمَانِ، تَعْلَمَانِ: می‌دانند		

درس Box

عامل	تأثیر	مثال	نکته
کَانَ	کان ... + مضارع ← ماضی استمراری	کانوا یکتبون ← می نوشتند	
	کان ... + (قد) + ماضی ← ماضی بعید	کنتم قد کتبتم ← نوشته بودید	
لَمْ	لَمْ + مضارع ← ماضی منفی (ساده/ نقلی)	لَمْ نَکْتُبْ ← ننوشتیم، ننوشته ایم	
لَنْ	لَنْ + مضارع ← مستقبل منفی	لَنْ تَکْتُبَ ← نخواهی نوشت	«لَنْ» برعکس «سَ» و «سَوْفَ» تأثیر می گذارد.
قَدْ	قد + ماضی ← ماضی نقلی	قد کتبتُ ← نوشته است	
	قد + مضارع ← «قد» معنای «گاهی، شاید» می دهد.	قَدْ تَکْتُبُ ← گاهی می نویسی	
لَا نَاهِیَهِ	لا + فعل مخاطب ← امر منفی	لا تکتب! ننویسید	برای نهی مخاطب «نباید» نمی آوریم.
	لا + فعل غیرمخاطب ← «نباید» + مضارع التزامی	لا یکتبوا ← نباید بنویسند	
لَا نَافِیَهِ	فعل مضارع را منفی می کند	لا یکتبون ← نمی نویسند	
لِ	لِ + مضارع مجزوم ← «باید» + مضارع التزامی	لِنَکْتُبْ ← باید بنویسیم	این «لِ» با فعل مخاطب نمی آید.
	لِ + مضارع منصوب ← «تا» + مضارع التزامی	... لِنَکْتُبْ ← ... تا بنویسیم	
حُرُوفُ نَاصِبَهِ	ناصبه + مضارع ← مضارع التزامی	أَنْ تَکْتُبُوا ← که بنویسید	حروف ناصبه: «أَنْ، حَتَّى، لِ» ، «کَیْ، لَکَیْ» (غیر از «لَنْ»)

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) «لَمْ أَتَذَكَّرُ» ← اَوَّلًا «لَمْ + مضارع» را به صورت «ماضی منفی» ترجمه می کنیم، ثانیاً فعل مضارعی که با «أَ» شروع شود، مربوط به «اول شخص مفرد» (من) است: «نیاوردم، نیاورده ام»

ب) «قَدْ تَتَذَكَّرُونَ» ← «قَدْ» وقتی همراه فعل مضارع بیاید، معنای «گاهی، شاید» می دهد، ضمناً «تَتَذَكَّرُونَ» مربوط به «دوم شخص جمع» (شما) است: «گاهی به یاد می آورید، شاید به یاد آورید»

ج) «کَانَ قَدْ تَذَكَّرَا» ← این فعل دارای ساختار «کان + قد + ماضی» است و باید به صورت «ماضی بعید» ترجمه شود. ضمناً این فعل، مربوط به «سوم شخص جمع» است: «به یاد آورده بودند»

د) «لِیَکْتُشَفُوا» ← وقتی قبل از «لِ + مضارع» یک جمله کامل نیامده باشد، باید آن را به صورت «باید + مضارع التزامی» ترجمه کنیم: «باید کشف کنند»

ه) «اِکْتُشَفْتَ» ← این فعل در اصل «اِکْتُشَفْتُ» بوده یعنی مربوط به سوم شخص مفرد (او) و به خاطر این که اسم بعد از آن دارای «ال» است، انتهای فعل به جای سکون، کسره دیده می شود: «کشف کرد»

- و) «سَتَكْتَشِفِينَ» ← چون ابتدای آن «س» آمده پس باید به صورت **مستقبل** ترجمه کنیم، ضمناً چون آخرش شناسه «یَن» آمده، متوجه می‌شویم که مربوط به «دوم شخص مفرد» (تو) است: «کشف خواهی کرد».
- ز) «نَسْتَعِينُ» ← فعل مضارعی است که با «ن» شروع شده پس مربوط به «اول شخص جمع» (ما) است: «کمک می‌گیریم».
- ح) «اِسْتَعِينُوا» ← فعل **امر** «دوم شخص جمع» (شما) از «اِسْتَعَانُ، يَسْتَعِينُ» است: «کمک بگیرید».

۱۰ عین نوع الأفعال التي تحتها خطّ (ماضي، مضارع، امر و مستقبل): (۱ نمره)

الف) خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ.

ب) تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا.

ج) أَتَيْهَا الصَّدِيقَانِ، تَكَاثَبَا.

راهنمای تصحیح: الف) امر (۰/۲۵) (صفحه ۱۱۳)

ب) ماضی - مضارع (۰/۵) (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۱۶)

ج) امر (۰/۲۵) (صفحه ۳۳)

Hint در میان جملات، یک فعل ماضی، دو فعل امر و یک فعل مضارع دیده می‌شه.

الف) «[سخن] حق را از اهل باطل بپذیرید.» ← «خُذُوا» فعل امر از «أَخَذَ، يَأْخُذُ» است.

ب) «کشاورز آرزو کرد: کاش بسیار باران ببارد.» ← «تَمَنَّى» فعل ماضی بر وزنِ «تَفَعَّلَ» است و «يَنْزِلُ» که آخرش ضمه (ـُ) دارد، مضارع است.

ج) «ای دوستان، با هم نامه‌نگاری کنید.» ← فعل «تَكَاثَبَا» هم می‌تواند ماضی باشد و هم امر. برای این‌که در جمله تشخیص بدهیم کدام حالت به کار رفته است. باید ببینیم که جمله به صورت «مخاطب» آمده یا «غائب»؛ اگر مخاطب بود پس فعل «تَكَاثَبَا» امر است و اگر غائب بود یعنی «تَكَاثَبَا» ماضی است. در این‌جا «أَتَيْهَا الصَّدِيقَانِ» نشان می‌دهد که جمله برای مخاطب است.

پاسخ خیلی تشریحی ✓

۱۱ | انتخابِ الجوابِ الصَّحیحِ للسُّؤالین: (۵/نمره)

الف) اَيُّ عبارتِ جاءَتْ فیها «لا» النَّافیةُ للجنس؟

۱- هَل سَمِعْتَ صَوْتاً عَجیباً؟ لا، یا اَبی.

۲- طَعَامٌ لَمْ یَذْکُرْ اسْمَ اللّٰهِ عَلَیْهِ، لَا بَرَکَةَ فِیْهِ.

ب) فِی اَيِّ عبارتِ جاءَ حَرْفٌ مِنَ الحُرُوفِ المَشْبَهَةِ بالفعل؟

۱- لَا تَغْضَبْ فَإِنَّ الغَضَبَ مَفْسَدَةٌ.

۲- أُرِیدُ أَنْ أَکْتُبَ ذِکْرَی فِی دَفْتَرِ الذِّکْرِیَّاتِ.

راهنمای تصحیح

الف) گزینه «۲» (۲۵/۰) (صفحه ۹)

ب) گزینه «۱» (۲۵/۰) (صفحه ۵)

Hint الف) «لا» نفی جنس همراه اسم می‌یاد!

ب) حروف مشبّهة بالفعل، نشان دوقلو است!

۱- «لا» نفی جنس همراه اسمی می‌آید که «ال» و «تنوین» ندارد و آخر آن «فتحه» (ـَ) آمده باشد. هنگام ترجمه آن را به صورت «هیچ ... نیست» می‌آوریم.

= مثال «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (هیچ خدایی جز الله نیست).

۲- حروف مشبّهة بالفعل عبارتند از: «إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَكِنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ»

دقت کنید که حرف «ن» در حروف مشبّهة بالفعل تشدید دارد.

درس Box

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) در گزینه (۱)، «لا» به معنای «نه» و در جواب «هل» آمده است. ولی در گزینه (۲) «لا» همراه «برکة» آمده است و معنای «هیچ ... نیست» دارد.

ترجمه عبارت‌ها:

۱- آیا صدای عجیبی را شنیدی؟ نه، «پدرم»

۲- غذایی که نام خداوند بر آن یاد نشده است، هیچ برکتی در آن نیست.

ب) در گزینه (۱)، «إِنَّ» در «فَإِنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل است، ولی «أَنْ» در گزینه (۲) که همراه فعل مضارع آمده، از حروف ناصبه است.

ترجمه عبارت‌ها:

۱- عصبانی نشو، زیرا خشم مایه تباهی است.

۲- می‌خواهم که خاطره‌ای را در دفتر خاطرات بنویسم.

۱۲

مشاوره در این سؤال ممکن است نکته‌های تستی را به کار ببرند. پس حتماً در این موضوع فراتر از کتاب بدانید.

* اِبْحَثْ عَنْ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ فِي الْجُمْلِ: (الف- اسم الفاعِل، ب- اسم المُبَالِغَةِ، ج- اسم المكان، د- اسم التَّفْضِيل) (۱ نمره)

إِنِّي أَعْلَمُ أَنَّ أَقْوَى النَّاسِ مَنْ عَفَا عَدُوَّهُ مُقْتَدِرًا - بَنَى الْفَرْدَ مَصْنَعٍ كَبِيرَةً فِي بِلَادٍ كَثِيرَةٍ - غَرَسَ الْفَلَّاحُ أَشْجَارًا لِيَأْكُلَ النَّاسُ مِنْ ثَمَرِهَا.

* تَرَجِمِ الْكَلِمَةَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ: (۵/۰ نمره)

هـ) ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ﴾

و) ما قَرَأْتُ مَصَادِرَ الْكِتَابِ التَّارِيخِيَّةِ.

راهنمای تصحیح

الف) مُقْتَدِر (صفحه ۳۵) (۲۵/۰) ب) الْفَلَّاح (صفحه ۳۹) (۲۵/۰)

ج) مَصْنَع (صفحه ۲۱) (۲۵/۰) د) أَقْوَى (صفحه ۳۵) (۲۵/۰)

هـ) بسیار امرکننده (صفحه ۵۲) (۲۵/۰) و) منابع (صفحه ۴۶) (۲۵/۰)

Hint دقت کنید که در این عبارات دو کلمه بر وزن «أفعل» اومده ولی فقط یکی از اون‌ها اسم تفضیله! ضمناً اسم مکان هم به صورت جمع اومده!

شناخت اسم‌ها براساس وزن:

نکات	مثال	وزن - ساختار	نوع
«فُعَال» و «فُعَاة» جمع مکسر هستند.	الطَّالِب، القاضي ← الطَّلَاب، القضاة مُفْتَرِس	فاعِل، فاعِي ← فُعَال، فُعَاة مُ ... ـ ...	اسم فاعل
کلماتی که بر وزن «مُفَاعِلَة» هستند، مصدر هستند نه اسم مفعول.	مَحْصُول ← مَحَاصِل مُكْسَر	مَفْعُول ← مَفَاعِل مُ ... ـ ...	اسم مفعول
	فَلَّاح، غَلَامَة	فُعَال، فُعَاة	اسم مبالغة
«مَفَاعِل» جمع مکسر	مَعْبَد، مَجْلِس، مَرْزَعَة ← مَزَارِع مَطَار، مَكَان	مَفْعَل، مَفْعِل، مَفْعَلَة ← مَفَاعِل مَفَال	اسم مکان
* «أَفَاعِل» جمع مکسر است. * وزن «أَفْعَل» گاهی برای فعل‌ها هم به کار می‌رود.	أَكْبَر، كُبْرَى ← أَكْبَر أَهَم، أَعْلَى	أَفْعَل، فُعْلَى ← أَفَاعِل أَفَل، أَفْعَى	اسم تفضیل

درس‌Box

پاسخ‌دهی تشریحی ✓ الف) «مُقْتَدِر» ← اسمی که اولش «مُ» و عین‌الفعل آن (د) کسره دارد.

ب) «الْفَلَّاح» ← بر وزن «فُعَال» و به معنای «کشاورز» است.

ج) «مَصْنَع» ← بر وزن «مَفَاعِل» و جمع «مَصْنَع» است.

د) «أَقْوَى» ← بر وزن «أَفْعَل» (أَفْعَى) و به معنای «نیرومندترین» است و اسم تفضیل به حساب می‌آید.

هـ) «أَمَّارَة» ← بر وزن «فُعَاة» و اسم مبالغه به حساب می‌آید: «بسیار امرکننده»

و) «مَصَادِر» بر وزن «مَفَاعِل» و جمع «مَصْدَر: منبع» است.

مشاوره سؤالات محل اعرابی از سؤالات ساده آزمون‌های نهایی هستند که با مقداری تمرین می‌توانید تمام نمره آن را کسب کنید.

عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَظٌّ: (۲ نمره)

الف) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ﴾

ب) مَنْ أَذْنَبَ وَهُوَ يَضْحَكُ دَخَلَ النَّارَ وَهُوَ يَبْكِي.

ج) ﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾

راهنمای تصحیح

الف) الإنسان: اسم إنَّ - الذين: مُستثنى - الصالحات: مفعول (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۳۶)

ب) هُوَ يَضْحَكُ: حال (جمله حالیه) - يَبْكِي: خبر (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۳۵)

ج) أُمَّة: خبر كان - الله: فاعل - مُبَشِّرِينَ: حال (هر مورد ۰/۲۵) (صفحه ۲۷)

Hint از روی علامت‌های بیشتر کلمات و جای آن‌ها در جمله می‌تونی نقششون رو پیدا کنی!

با وجود محدودیت‌های کتاب درسی برای بیان محل اعرابی، نقش کلمات را معمولاً می‌توان به سادگی پیدا کرد. برای درک بهتر این موضوع به جدول زیر خوب دقت کنید:

نقش	مشخصات	مثال
فاعل	۱- بعد از فعل می‌آید.	دَخَلَ الْمُعَلِّمُ الصَّفَّ.
	۲- آخرش غالباً یکی از علامت‌های «مَ، اِن، وَن» دارد.	دَخَلَ الْمُعَلِّمُونَ الصَّفَّ.
	۳- انجام فعل را به آن نسبت می‌دهیم.	
مفعول	۱- در ترجمه فارسی همراه «را» یا یکی از حروف اضافه مانند «از، به، بر، با» می‌آید.	«لَا تَسُبُّوا النَّاسَ فَتَكْتَسِبُوا الْعِدَاةَ بَيْنَهُمْ.» به مردم دشنام ندهید؛ زیرا دشمنی را در میان آنان به دست می‌آورید.
	۲- علامت آخر آن معمولاً «مَ، يَنْ، يَنْ» است.	
مبتدا	۱- اسمی است که در ابتدای جمله آمده است.	«التَّائِبُ فَطْرِي فِي الْإِنْسَانِ.» دینداری در انسان فطری است.
	۲- آخرش غالباً یکی از علامت‌های «مَ، اِن، وَن» دارد.	
خبر	۱- در ترجمه فارسی غالباً همراه یکی از فعل‌های «است، هستند» می‌آید.	
	۲- اگر اسم باشد، آخرش غالباً یکی از علامت‌های «مَ، اِن، وَن» دارد.	
مجرور به حرف جرّ	بعد از حروف «فِي، عَنِ، مِنْ، إِلَى، لِ، بِ، كَ، عَلَى» می‌آید.	«قَدَفَ النَّاسُ إِبْرَاهِيمَ فِي النَّارِ.»
صفت	۱- اگر دو اسم «ال» دار یا «تنوین» دار به هم وابسته شوند، دومی صفت است.	شَاهِدَ النَّاسُ الْأَصْنَامَ الْمُكَسَّرَةَ.
	۲- «اسم + ضمیر + اسم ال دار» ← اسم «ال» دار صفت است.	شَاهِدَ النَّاسُ أَصْنَاماً مُكْسَرَةً.
مضاف‌الیه	۱- اگر دو اسم به هم وابسته شوند و دومی صفت نباشد، مضاف‌الیه به حساب می‌آید.	تَأَكَّدَ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ.
	۲- بعد از «كُلَّ»، «بَعْضُ» و قیده‌های مکان و زمان «قَبْلَ، بَعْدَ، عِنْدَ، أَمَامَ، بَيْنَ، فَوْقَ و ...» غالباً مضاف‌الیه می‌آید.	﴿كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ﴾ يَرَى الطَّائِرُ الْعَدُوَّ قُرْبَ عَشَةِ.
حال	حال دو نوع دارد: ۱- اسمی که خودش نکره است و درباره یک اسم معرفه به	خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا. رَأَيْتُ الطِّفْلَيْنِ مُبْتَسِمَيْنِ.

کار رفته است. این اسم آخرش یکی از علامت‌های «ـَ» یا «ـِ» را دارد.	جَلَسَ أَعْضَاءُ الْأُسْرَةِ وَ هُمْ يُشَاهِدُونَ التَّلَافُظَ.
۲- در وسط عبارت، جمله‌ای که با ضمیر شروع شده و قبل از آن حرف «واو» آمده باشد، جمله‌ی حالیه است.	
مُسْتَثْنَى	رَأَيْتُ أَصْدِقَائِي إِلَّا عَلِيًّا

پاسخ خیلی تشریحی ✓

الف) «بی‌تردید انسان در ضرر و زیان است مگر کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.»
 الإنسان ← اسمی است که بعد از «إِنَّ» آمده و منصوب است: «اسم إِنَّ»
 الَّذِينَ ← اسمی که بعد از «إِلَّا» آمده است: «مُسْتَثْنَى»
 الضَّالَّاتِ ← اسمی است که در ترجمه می‌توانیم آن را همراه «را» بیاوریم (کارهای شایسته را انجام دادند):
 «مفعول»
 ب) «هر کس گناه کند در حالی که می‌خندد وارد دوزخ می‌شود در حالی که گریه می‌کند.»
 هُوَ يَضْحَكُ ← جمله‌ای است که با ضمیر «هو» شروع شده و قبل از آن حرف «و» آمده است: «جمله حالیه»
 (حال)
 يَبْكِي ← «هُوَ يَبْكِي» یک جمله اسمیه است که در داخل آن «هو»، مبتدا و «يَبْكِي» خبر است.
 ج) «مردم امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را بشارت دهنده فرستاد.»
 أُمَّةٌ ← اسم منصوبی است که بعد از «كَانَ» آمده و در ترجمه فارسی به صورت مُسند می‌آید و خبر «كَانَ» است.
 اللَّهُ ← فعل «يَعْتَصِمُ» را به آن نسبت می‌دهیم. ضَمناً «اللَّهُ» مرفوع هم است.
 مُبَشِّرِينَ ← اسم نکره و منصوب است و درباره اسم معرفه «التَّبَيِّينَ» به کار رفته است بنابراین حال است.

۱۴

انتخب الکلمة المناسبة لكل فراغ: (کلمات زائدتان) (۵/۰ نمره)

«دَوْبًا - لَمْ يَقْتَرِحْ - كَسُولًا - لَمْ يَحْضُنْ»

الف) مَنْ كَانَ لَا يَحْضُنْ عَلَى أَهْدَافِهِ فِي حَيَاتِهِ.

ب) إِنَّ الْوَالِدَ بَنَتَهُ فَأَنْزَعَجَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) مِنْ عَمَلِهِ.

مشاوره این سؤال از سؤالات ساده آزمون نهایی است که با تسلط بر معنی کلمات و عبارتهای کتاب درسی به راحتی می توان به آن پاسخ داد.

راهنمای تصحیح

الف) کسولاً (۲۵/۰) (صفحه ۱۴)

ب) لَمْ يَحْضُنْ (۲۵/۰) (صفحه ۴۱)

Hint معنای کلمه های داده شده به ترتیب: «با پشتکار - پیشنهاد نداد - تنبل - در آغوش نگرفت»

الف) هر کس **تنبل** باشد، در زندگی خود هدفهایش را به دست نمی آورد.

ب) پدر دخترش را در **آغوش نگرفت** پس پیامبر خدا (ص) از کار او آزرده شد.

پاسخ خیلی تشریحی

۱۵ | اِقْرَأِ النَّصَّ التَّالِيَ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ: (۱ نمره)

«الشَّعْبُ الَّذِي يَتَجَنَّبُ عَنْ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ يُحْسَبُ شَعْباً ضَعِيفاً يَتَغَلَّبُ عَلَيْهِ الْمُسْتَكْبِرُونَ لِأَنَّ الْعِلْمَ أَفْضَلُ سِلَاحٍ يُجَهِّزُ كُلَّ أُمَّةٍ نَفْسَهَا بِهِ. إِنَّ الْكُتُبَ لَا تَحْتَوِي عَلَى الْعُلُومِ فَقَطْ بَلْ تُوجَدُ فِيهَا تَجَارِبُ الْأُمَمِ الْمُخْتَلِفَةِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ فَإِنَّهُمَا جَنَاحَانِ لِلطَّيْرَانِ إِلَى السَّعَادَةِ. فَإِذَا كَانَ قَوْمٌ مُحْرَوماً عَنِ الْعُلُومِ وَتَجَارِبِ الْأُمَمِ يَقَعُ فِي مَشَاكِلٍ عَظِيمَةٍ تُصَيِّرُ الْحَيَاةَ لَهُ مَرّاً (تلخ). الْأَطْفَالُ لَنْ يَشْتَاقُوا إِلَى قِرَاءَةِ الْكُتُبِ إِلَّا إِذَا شَاهَدُوا الْوَالِدَيْنِ قَارِئِينَ لِلْكِتَابِ فِي الْبَيْتِ.»

الف) عَلَى مَنْ يَتَغَلَّبُ الْمُسْتَكْبِرُونَ؟

ب) مَا يَجْعَلُ الْحَيَاةَ مَرّاً؟

ج) مَتَى يُصْبِحُ أَوْلَادُنَا مُشْتَاقِينَ لِقِرَاءَةِ الْكُتُبِ؟

د) مَا هُوَ جَنَاحَا الْأُمَّةِ لِلْسَّعَادَةِ؟

مشاوره برای پاسخ دادن به

سؤالات متن:

۱) متن‌ها را با دقت و کامل بخوانید.

۲) پاسخ‌ها را مختصر و مفید بنویسید و از نوشتن عبارت‌های طولانی خودداری کنید.

۳) پاسخ‌ها را با کمک کلمات داخل متن بنویسید.

۴) ترکیب‌های پرسشی مانند «لِمَ، بِمَ، مِمَّا و ...» را به خوبی بشناسید.

راهنمای تصحیح >> الف) «الشَّعْبُ الَّذِي يَتَجَنَّبُ عَنْ قِرَاءَةِ الْكُتُبِ» یا «الشَّعْبُ الضَّعِيفُ» (۰/۲۵)

ب) المشاكل العظيمة. (۰/۲۵)

ج) إِذَا شَاهَدَ الْوَالِدَيْنِ قَارِئِينَ لِلْكِتَابِ. (۰/۲۵)

د) العلم و التجربة (۰/۲۵)

پاسخ خیلی تشریحی ✓ ترجمه متن:

ملت‌ی که از کتاب خواندن دوری می‌کند ملت‌ی ناتوان به حساب آورده می‌شود که مستکبران بر آن چیره می‌شوند. زیرا دانش برترین سلاحی است که هر امتی خودش را به آن مجهز می‌کند. کتاب‌ها فقط دانش‌ها را در برنمی‌گیرند بلکه در آن‌ها تجربه‌های امت‌های مختلف در گذر زمان وجود دارد. آن دو، دو بال برای پرواز به سوی خوشبختی هستند. اگر قومی از دانش‌ها و تجربه‌های امت‌ها محروم باشد در مشکلات بزرگی می‌افتد که زندگی را برایش تلخ می‌گرداند. کودکان به کتاب خواندن مشتاق نخواهند شد مگر زمانی که پدر و مادر را در خانه در حال کتاب خواندن ببینند.

پاسخ سؤال‌ها:

الف) مستکبران بر چه کسی غلبه می‌کنند؟ ← «بر ملت‌ی که از کتاب خواندن دوری می‌کند.» یا «ملت ناتوان»

ب) چه چیزی زندگی را تلخ می‌گرداند؟ ← مشکلات بزرگ

ج) چه زمانی بچه‌های ما مشتاق کتاب خواندن می‌شوند؟ ← زمانی که پدر و مادر را در خانه در حال کتاب خواندن ببینند.

د) دو بال امت برای خوشبختی چیست؟ ← دانش و تجربه